



محمد محسن طبسی

آیاتِ بَعْل را می‌خوانید و بهترین آفریدگارها را می‌سازید؟ خدایی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست. اما آنها او را تکذیب کردند؛ ولی به یقین همگی [در دادگاه عدل الهی] احضار می‌شوند، مگر بندگان مخلص خدا. ما نام نیک او را در میان امتهای بعد باقی گذاشتیم. سلام بر الیاسین! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. او از بندگان مؤمن ماست.»

■ اسم الیاس

الیاس اسم علم و غیر عربی

الیاس عليه السلام منادی توحید و تقوا
 ● ﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلِّ مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾^۱؛ «و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس، همه از صالحان بودند.»

● ﴿وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ أَتَدْعُونَ بِنِعْمَتِي وَأَحْسَنَ الْخَالِقِينَ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ فَكَذَّبُوهُ فَأَنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ أَلَا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ سَلَامًا عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲؛ «و الیاس از رسولان [ما] بود. [به خاطر بی‌اور] هنگامی که به قومش گفت: آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟

۱. انعام / ۸۵

۲. صافات / ۱۲۳-۱۳۲

می‌باشد.^۱

علامه شعرانی پیرامون نام وی می‌گوید:

«الیاس به زبان عبری، ایلیاء می‌باشد و سین آن تصرف زبان یونانی است که به اصطلاح آنان در زبان عربی مشهور گشته؛ چنان که یونس هم یوناء است و سین آن یونانی است و در بعضی اخبار به همان لهجهٔ عبری ایلیاء نیز مذکور است.»^۲

در نقلی آمده:

«شش تن از انبیایی که نامشان در قرآن آمده، دو نام دارند: محمد و احمد، ابراهیم و ابراهام، یعقوب و اسرائیل، یونس و ذوالنون، الیاس و الیاسین، و عیسی و مسیح.»^۳

در تورات نیز نام وی ایلیاء ثبت شده است.^۴

□ دودمان الیاس علیه السلام

پیرامون پدر و اجداد حضرت الیاس علیه السلام نظرات گوناگونی مطرح شده است که به نظر مشهور اشاره می‌شود:

وی از ذریهٔ حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد؛ چنان که آیهٔ قرآن این مطلب را تأیید می‌کند: ﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ... وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ... وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ﴾.^۵ علامه مجلسی می‌گوید: «ابن عباس و اکثر مفسرین بر این باورند که الیاس از انبیاء بنی اسرائیل و از اولاد هارون بن عمران می‌باشد.»^۶

□ ویژگیهای الیاس علیه السلام

وی دارای ویژگیهای برجسته‌ای بوده است؛ از جمله وی بسیار فصیح و بلیغ بوده^۷ و توانایی هفتاد پیامبر را داشته و در شدت و قوت همانند

۱. قاموس المحيط، فیروز آبادی، ج ۲، ص ۲۰۵.

۲. نشر طوبی، ابوالحسن شعرانی، ج ۱، ص ۳۳.

۳. الجامع فی العلل و معرفة الرجال، ج ۲، ص ۲۴۴؛ تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۷ و ۲۰۸؛ انوار التنزیل، بیضاوی، ج ۳، ص ۴۶۹.

۴. قاموس کتاب مقدس، هاکس، ص ۱۴۴؛ تفسیر الوسیط للقرآن الکریم، طنطاوی، ج ۵، ص ۱۲۰.

۵. انعام / ۸۳-۸۵ ر. ک: تفسیر موضوعی قرآن کریم، آیه الله جوادی آملی، ج ۷، ص ۲۷۴.

۶. مرآة العقول، ج ۳، ص ۲۸.

۷. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۸.

ذوالکفل علیه السلام^۷ دانسته‌اند، طبق ظاهر قرآن و نصوص متقن تاریخی، الیاس همان ایلیاء بوده و پیامبری غیر از پیامبران یاد شده می‌باشد.

□ پیامبری الیاس علیه السلام

وی یکی از انبیاء بنی اسرائیل بعد از زمان یوشع علیه السلام می‌باشد^۸ که بر اهل «بک» لبنان مبعوث شد.^۹

«آخاب» پادشاه خونخوار بنی اسرائیل بود که الیاس علیه السلام در زمان این پادشاه مبعوث شد. در باره این پادشاه چنین گفته‌اند:

«آخاب هفتمین پادشاه بنی اسرائیل

موسی علیه السلام بوده^۱ و همانند بعضی از انبیاء در دست راست خویش انگشتر به دست می‌کرده است.^۲

□ سیمای الیاس علیه السلام در قرآن

نام او فقط دو مرتبه در قرآن کریم در آیه ۸۵ سوره انعام و آیات ۱۲۳ تا ۱۳۲ سوره صافات ذکر شده است.

ویژگیهای الیاس علیه السلام در قرآن به ترتیب ذیل می‌باشد:

۱. از ذریه حضرت ابراهیم علیه السلام بوده؛
۲. از هدایت ویژه خداوند برخوردار شده؛

۳. علاوه بر مقام نبوت و رسالت، در زهد و بی‌اعتنایی نسبت به دنیا نمونه بوده؛^۳

۴. دارای کتاب بوده؛
۵. دارای منصب قضاوت بوده؛
۶. دارای مقام نبوت بوده؛

۷. یکی از عبادت‌کنندگان بوده؛
۸. سلام خداوند و ملائکه و انس و جن بر الیاس علیه السلام تعلق گرفته است.^۴

□ الیاس علیه السلام کیست؟

در میان نظرات گوناگون که الیاس علیه السلام را الیسع،^۵ ادریس^۶ یا

۱. حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۳، ص ۳۲۳.
۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۸.
۳. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۳۰؛ تفسیر الکبیر، ج ۱۳، ص ۶۵.
۴. تفسیر المنیر، هبة الزحیلی، ج ۲۳، ص ۱۳۵.
۵. تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۳۳.
۶. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۳۱؛ تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۴، ص ۱۳۳۶؛ تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۷.
۷. العین فی اللغة، ج ۳، ص ۸۹؛ دلائل النبوة، ج ۱، ص ۱۵۹؛ مختصر تاریخ دمشق، ج ۸، ص ۲۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۶؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۵۷.
۸. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۵۷.
۹. تفسیر نووی، ج ۲، ص ۲۲۱.

می‌باشد که ۸۷۴ سال قبل از میلاد مسیح به جای پدر خود به پادشاهی رسید و مدت ۲۲ سال سلطنت کرد. تاریخ هیچ یک از سلاطین یهود مثل تاریخ آخاب حزن‌انگیز نیست. همسرش «ایزابل» دختر «اتباعل» پادشاه بت‌پرست مغرور و متکبر و غیور «صور» لبنان بود و از آثار وی پرستش «بعل» و «عشتاروت» در بنی اسرائیل بود. بدین خاطر، خانه‌ای برای «بعل» و «عشتاروت» در «سامره» بنا کرده، تمثال آن دو بت را در آنجا بنا نهاده و بدین ترتیب، بت‌پرستی و شرارت رواج کلی یافته و پیغمبران خدا کشته شده، پرستش خدای حقیقی ممنوع شد.^۱

در این دوران که بت‌پرستی و شرک رواج یافت و مردم ندورات خود را در این معابد قرار می‌دادند و چیزی جز ظواهر تورات باقی نمانده بود، حضرت الیاس علیه السلام مبعوث شد و با پرستش بت «بعل» توسط مردم آن منطقه مخالفت کرد^۲ و خطاب به قوم خود فرمود: «أَلَا تَتَّقُونَ؟»^۳ «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید.» «أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ؟»^۴ «بهترین پروردگار را رها

کرده و به سوی بعل روی آورده‌اید، خداوند پروردگار شما و پدرانستان است.» برخی از آیه فوق چنین استفاده کرده‌اند که قوم الیاس علیه السلام مدت زیادی را در شرک و پرستش بت «بعل» سپری کرده بودند؛ چرا که الیاس علیه السلام به آنها گفت که خداوند رب شما و پدرانستان است و این تذکری بر اشتباه بودن پرستش پدران آنان می‌باشد.^۵

مبارزه الیاس علیه السلام با بت «بعل»

همان گونه که در عصر برخی از پیغمبران همانند حضرت نوح علیه السلام بت‌هایی به نام «وَدّ»، سواع، یَعُوْث، یَعُوْق و نسر» مورد پرستش بت پرستان بود، در عصر حضرت الیاس علیه السلام نیز بتی به نام «بعل» مورد پرستش بوده است.^۶ «بعل» اسم کنعانی است و معنای آن «رب العهد»، یعنی صاحب عهد

۱. قاموس کتاب مقدس، ص ۱۸ و ۱۹؛ ر.ک: المنتظم، ج ۱، ص ۲۵۹؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۵، ص ۱۲۱.
 ۲. تفسیر قاسمی، ج ۱۴، ص ۱۲۷.
 ۳. صافات/ ۱۲۴.
 ۴. همان/ ۱۲۵ و ۱۲۶.
 ۵. تفسیر ابی السعود، ج ۷، ص ۲۰۴.
 ۶. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۲۲۵.

□ الیسع علیه السلام دستیار الیاس علیه السلام

نقل شده که در مدت پیامبری الیاس علیه السلام، الیسع علیه السلام دستیار وی بوده^۶ و همو بوده که از طرف الیاس علیه السلام نزد «آخاب» رفته و او را به پرستش خداوند دعوت کرده است.^۷ همان گونه که الیاس علیه السلام «آخاب» را از شرک و بت پرستی بر حذر می داشت، همواره مردم را نیز به این مهم دعوت می کرد؛ ولی قسوم الیاس علیه السلام با وی مخالفت

می باشد.^۱ مرحوم بحرانی به نقل از علی بن ابراهیم در تفسیر خود می نویسد: «قوم الیاس علیه السلام بتی به نام «بعل» را می پرستیدند.» بعد، روایتی نقل می کند که در آن «بعل» به معنای رب به کار رفته است.^۲ در اینکه «بعل» سمبل و بتی برای پرستش بوده، هیچ شکی نیست؛ ولی اختلافی که در این میان مطرح است، در باره واقعیت آن می باشد که آن «بعل» چه بوده است. برخی آن را یک بت سنگی می دانند.^۳

۱. الکشاف، ج ۶، ص ۶۵۴، به نقل از: قاموس کتاب مقدس.

۲. «سَأَلَ رَجُلٌ أَهْرَافِيًّا عَنْ نَاقَةِ وَاقِقَةَ فَقَالَ لِمَنْ هَذِهِ النَّاقَةُ الْوَاقِقَةُ؟ فَقَالَ النَّعْرَابِيُّ: أَنَا بَعَلُّهَا وَ سَمَّيْتُ الرَّبَّ بَعْلًا» (تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۳).

۳. تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۷۷؛ شرح فصوص الحکم، قیصری، ج ۲، ص ۳۳۷.

۴. تفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۶۱؛ تفسیر شبر، ص ۶۷۲؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۵۷؛ الکشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۵۸. فخر رازی به داخل شدن شیطان به درون «بعل» و صحبت کردن آن از داخل بعل اشکالاتی وارد کرده که نظام الدین نیشابوری آن را نقد کرده است (تفسیر غرائب القرآن، ج ۵، ص ۵۷۴).

۵. تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۱۱۷.

۶. تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۲۷۴؛ المنتظم، ج ۱، ص ۲۶۱؛ کنز الدرر و جامع الغرر، دواداری، ج ۲، ص ۲۳۹.

۷. مختصر تاریخ دمشق، ابن منظور، ج ۵، ص ۲۶ و ۲۷.

برخی دیگر می گویند: «بعل» بتی است که از طلا درست شده و طول آن بیست ذراع بوده و چهار طرف داشته است که مردم به آن احترام گذاشته، پرستش می کردند؛ به حدی که چهار صد خادم و نگهبان داشته است. شیطان داخل آن می رفته و شریعت باطل را به مردم القاء می کرده و آنها را گمراه می کرده است؛ بدین صورت که خادمان آن بت، صدای شیطان را می شنیده و آن را حفظ کرده و به مردم «بک» لبنان یاد می داده اند؛ لذا به این منطقه «بعلبک» می گویند.^۴ برخی دیگر می گویند: «بعل» نام زنی بود که مردم او را عبادت می کردند.^۵

همسر «آخاب» الیاس علیه السلام را به خروج از حکومت «آخاب» متهم کرد و او را نزد پادشاه، مخالف و شورشی جلوه داد و بدین ترتیب، دستور دستگیری و قتل وی از طرف «آخاب» صادر شد.

وی نیز به دستور خداوند روانه کوهها و بیابانها شد.^۳ طبق نقلی، الیاس علیه السلام به غاری در کوه «قاسیون» واقع در دمشق پناه برد و ۱۰ سال در آنجا پنهان بود.^۴

علامه مجلسی می نویسد: «زمانی که پیامبری الیاس علیه السلام به پایان رسید، خداوند به الیاس علیه السلام بال داد و لباس نور بر او پوشانید و او را به آسمان برد و الیاس علیه السلام عباى خود را از آسمان برای الیسع علیه السلام به زیر انداخت و حق تعالی الیسع علیه السلام را به پیامبری برگزید.^۵

۱. صافات / ۱۲۷.

۲. حیوة القلوب، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۸۴۱ در نقل دیگری آمده است: سه سال بر قوم الیاس علیه السلام باران نبارید (تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۹-۲۱۰).

۳. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۳۷.

۴. تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۵؛ کنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۵۰. برخی دیگر مدت پنهان شدن را هفت سال ذکر می کنند. ر.ک: مستدرک سفینه البحار، علامه نمازی، ج ۱، ص ۱۳۰.

۵. برخی می گویند: حضرت یونس علیه السلام پس از

کرده، او را تکذیب می کردند؛ چنان که قرآن کریم در این باره می فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ»؛^۱ «اما آنها او را تکذیب کردند، پس همگی احضار می شوند.»

نقل شده است: وقتی الیاس علیه السلام بر قوم خود به خاطر عدم پرستش خداوند غضب کرد، از خداوند طلب کرد که هفت سال بر قوم او باران نفرستد. پس دعای الیاس علیه السلام مستجاب شد و قحطی و گرسنگی و مرگ و میر میان آنان بسیار شد، قوم الیاس علیه السلام به خود آمده و به نشانه ندامت و پشیمانی نزد الیاس علیه السلام رفته و طلب بخشش کرده، از او خواستند که از خداوند درخواست باران کند.

چون شب شد، الیاس علیه السلام به مناجات ایستاد و دعا کرد و به الیسع علیه السلام گفت: به اطراف آسمان بنگر! الیسع علیه السلام گفت: ابری می بینم که بلند می شود. الیاس علیه السلام گفت: بشارت باد تو را که باران می آید.^۲

▣ پایان پیامبری

زمانی که مبارزات الیاس علیه السلام با شرک و ظلم شدت گرفت، «ایزابیل»

دروغ و سست و بسی پایه و اساس می‌باشند. با این حال، مقدس اردبیلی زمانی که بر اثبات غیبت حضرت مهدی علیه السلام دلائلی اقامه می‌کند، یکی از آنها را غیبت عیسی و خضر و الیاس علیهم السلام می‌داند و ادعای اتفاق بر غیبت آنها می‌کند.^۷

آنچه می‌توان به عنوان یکی از ریشه‌های پیدایش این نظریه (زنده بودن الیاس علیه السلام) بیان کرد، پنهان شدن

الیاس علیه السلام به پیامبری رسید (المنتظم، ج ۱، ص ۲۶۱؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۳۰؛ اما مشهور این است که الیسع علیه السلام پس از الیاس علیه السلام به پیامبری رسید.

۱. حیوة القلوب، ج ۲، ص ۸۴۲؛ قصص الانبیاء، قطب راوندی، ص ۲۵۱؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۵۷. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۹۳؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۱، ص ۱۴؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۲۷۴؛ المنتظم، ج ۱، ص ۲۶۱؛ مختصر تاریخ دمشق، ابن منظور، ج ۵، ص ۲۷.

۲. عرائس المجالس، ثعالبی، ص ۲۳۰.
۳. تفسیر سمرقندی، مشهور به بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۹۹.

۴. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۵۷.
۵. تاریخ مختصر الذول، ص ۳۵.
۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۶۱۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۸۰؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۲، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۸۲.
۷. حدیقة الشیعة، ج ۲، ص ۹۶۱ و ۱۰۰۷.

و وحی به سوی او فرستاد و او را تقویت کرد.^۱

ثعالبی می‌گوید: «عبایی که الیاس علیه السلام از آسمان برای الیسع علیه السلام فرو فرستاد، علامت و نشانه‌ای بر پیامبری الیسع علیه السلام می‌باشد.»^۲ و بدین ترتیب، الیسع علیه السلام بعد از وی به پیامبری رسید.^۳

نقل شده که پس از بالا رفتن الیاس علیه السلام به آسمان و شروع پیامبری الیسع علیه السلام، اوضاع حکومت «آخاب» دگرگون شد و پادشاه دیگری با وی جنگ و ستیز کرد و او و همسرش را کشت و بر اوضاع مسلط گردید.^۴

برخی دیگر کیفیت غیبت الیاس علیه السلام را این گونه بیان کرده‌اند: «روزی الیاس علیه السلام همراه دستیارش الیسع علیه السلام، رودخانه اردن را شکافت و به آن وارد شد و سپس سوار بر ابر گردید و غایب شد.»^۵

زنده بودن الیاس علیه السلام افسانه یا

حقیقت؟

مشهور معتقد به زنده بودن الیاس می‌باشند. البته، مدارک و شواهدی که به گونه‌ای بر زنده بودن الیاس نبی علیه السلام دلالت دارند،^۶ خدشه دار و بعضاً

کتاب بوده است؛ اما در کتب تاریخی چنین آمده: انبیاء بنی اسرائیل که همانند الیاس علیه السلام بعد از حضرت موسی علیه السلام مبعوث شده‌اند، برای زنده کردن تورات آمده بودند و کتاب جدیدی بر آنها نازل نشد و فقط نقش آنها زنده کردن احکامی که از تورات تعطیل شده بود، می‌باشد.^۳

همچنین گفته شده: الیاس نبی علیه السلام صاحب کتاب نبود؛ زیرا به هیچ وجه خبری از نویسندگی او، به جز نامه‌ای که به «یهورام» پادشاه یهودا نوشت، نیست.^۴

اما با توجه به ظاهر آیه یاد شده، الیاس نبی علیه السلام دارای کتاب بوده و اصل کتاب داشتن وی قابل انکار نیست. آنچه که مورد بحث است، محتوای

وی از دست «آخاب» در کوه به مدت ۱۰ سال می‌باشد که این مدت نیز به جاودانه بودن عمر وی ربطی ندارد؛ چرا که پس از آن به قوم خویش باز گشت و آنچه که ثابت است، همین مطلب می‌باشد؛ لذا بعضی از علماء برای امکان غیبت حضرت مهدی علیه السلام به غیبت ده ساله حضرت الیاس علیه السلام استناد کرده‌اند.^۱

با این وصف، آنچه که اصل و روند طبیعی بشر می‌باشد، این است که تمامی انسانها از پل مرگ عبور می‌کنند، مگر موارد خاص که این موارد خاص و استثناء همانند حضرت عیسی علیه السلام باید با مدارک و شواهدی متقن اثبات شود؛ در حالی که اثبات زنده بودن حضرت الیاس علیه السلام امری بسیار مشکل می‌باشد.

□ کتاب الیاس علیه السلام

از ظاهر آیه شریفه ﴿وَأَتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ﴾^۲ چنین برداشت می‌شود که الیاس علیه السلام دارای

۱. الشیعة والرجعة، شیخ محمد رضا طیبسی، ج

۱، ص ۳۳۷.

۲. انعام / ۸۹.

۳. تاریخ دمشق، ج ۹، ص ۲۰۶؛ الکامل فی

التاریخ، ج ۱، ص ۱۴۸؛ المنتظم، ج ۱، ص ۲۵۹.

۴. قاموس کتاب مقدس، ص ۱۴۵.

کرده بود و در ثابت قدم بودن در عقیده و در پایداری از حق و ایستادگی در برابر باطل همانند موسی علیه السلام بود.^۲

یکی از معجزات الیاس نبی علیه السلام راه رفتن روی آب می باشد و این معجزه را نیز حضرت مهدی علیه السلام برای اثبات امامت خویش به مردم و منکرین نشان خواهد داد؛ چنان که نقل شده است:

«زمان ظهور امام زمان علیه السلام شخصی از ماوراء النهر می آید و از آن حضرت معجزه الیاس علیه السلام را طلب می کند. امام آیه **«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»**^۳ را تلاوت کرده و بر روی آب دجله رفته، هیچ جای بدن ایشان خیس نمی شود.»^۴

□ قدمگاه الیاس علیه السلام

علی بن عاصم کوفی می گوید:

کتاب می باشد که آیا این کتاب سَمْبُل و نشانه شریعت جدید است و یا یک سری احکامی که در راستای زنده کردن تورات بوده، می باشد؛ چنان که این معنا را ظاهر آیه ۸۷ سوره بقره تأیید می کند: **«وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ»**؛ «ما به موسی کتاب دادیم و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم.» مثلاً صحیفه هایی از آسمان برای وی نازل می شده، همانند حضرت ادريس علیه السلام و شیث علیه السلام و... و به تناسب موقعیت، احکام تورات را تبلیغ می کردند و به این نحو تورات را زنده می کردند.^۱ با این بیانات، ظاهراً گزینه دوم صحیح به نظر می رسد.

بنابراین، اختلافی بین ظاهر آیه و کلام مورخین وجود نخواهد داشت.

□ معجزات الیاس علیه السلام

نقل شده که کوهها و درندگان، و سایر موجودات در اختیار و تحت فرمان وی بوده است و خداوند، توانایی هفتاد پیغمبر را به وی عطا

۱. ر.ک: تفسیر تسنیم، ج ۵، ص ۴۴۳.

۲. حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، ج ۳،

ص ۳۲۳.

۳. طلاق/۳.

۴. حدیقة الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۰۲.

عده‌ای به خانهٔ امام صادق علیه السلام رفتیم و خواستیم اجازهٔ ورود بگیریم که صدایی از داخل خانهٔ امام شنیدیم که عربی نبود. گمان کردیم به زبان سریانی می‌باشد و بعد صدای گریهٔ امام را شنیدیم و ما نیز به گریهٔ امام، گریستیم. سپس خادم امام آمد و اجازهٔ ورود داد. نزد امام رفتیم و آنچه را که شنیدیم، بازگو کردیم. امام فرمود: درست است، یاد الیاس علیه السلام نسی علیه السلام کردم. وی از عبّاد انبیاء بنی اسرائیل می‌باشد و آنچه را که الیاس علیه السلام در سجده‌هایش با خدا زمزمه می‌کرد، گفتیم که به زبان سریانی بود. به خدا قسم! تا به حال هیچ قسی و جائلیقی^۳ به فصاحت زبان الیاس علیه السلام نبوده است. سپس امام مناجات

«بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم. ایشان فرمود: به زیر پایت بنگر و به آنچه که بر آن پانهادی دقت کن؛ زیرا آن فرشی است که بسیاری از پیامبران و مرسلین و ائمه بر روی آن نشسته‌اند. سپس فرمود: نزدیک‌تر بیا! عاصم می‌گوید: وقتی که نزدیک امام شدم، دست شریفشان را بر صورتم نهاد و قدرت بینایی عالم دیگر را یافتم و دیدم بر آن فرش اثری از جای پا و نقشهایی است. فرمود: این اثر پای حضرت آدم علیه السلام است و این مکان نشستن ایشان می‌باشد. اینجا جای اثر هابیل علیه السلام و اینجا اثر شیث علیه السلام و اینجا جای اثر دانیال و الیسع و الیاس علیه السلام و... می‌باشد.»^۱

ابن بطوطه نیز در سفرهای خود مکانها و قدمگاههایی که به خضر و الیاس علیه السلام نسبت داده شده است را به تفصیل ذکر می‌کند.^۲

□ مناجات الیاس علیه السلام از زبان امام

صادق علیه السلام

مفضل بن عمر می‌گوید: «همراه

۱. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۳ و ۳۴؛ ج ۵۰، ص ۳۰۴ و ۳۰۵.

۲. رحلة ابن بطوطه، ص ۲۰۶ و ۲۸۶ و ۳۳۱ و ۳۴۱ و ۵۶۳.

۳. قس یعنی رئیس نصاری در علم مانند قسیس. جائلیق برتر و بالاتر از قس می‌باشد (الوافی، فیض کاشانی، ج ۳، ص ۵۵۸).

■ مراد از «سلام علی یاسین»

یکی از آیاتی که میان مفسرین بحث و گفتگوی فراوانی پیرامون آن شده است، آیه یاد شده (صافات/ ۱۳۰) می باشد که مراد از یاسین چیست؟ عده‌ای از مفسرین از جمله کلبی و ابن عباس آیه را «آل یاسین» (یعنی اهل بیت پیامبر ﷺ) قرائت کرده‌اند و عده‌ای از محدثین بنام اهل سنت از جمله ابن ابی حاتم، طبرانی، ابن مردویه و سیوطی^۲ و از علماء شیعه، علی بن ابراهیم قمی، فیض کاشانی و علامه بحرانی^۳ آن را نقل و قبول کرده‌اند.

۱. اصول کسافی، ج ۱، ص ۲۲۷ و ۲۲۸؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۹۲؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۳؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۳۱؛ محجة البيضاء، ج ۴، ص ۲۵۷، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۳؛ موسوعة الامام الصادق، سید کاظم قزوینی، ج ۵، ص ۴۴۳. البته علامه مجلسی این حدیث را ضعیف می‌شمارد (مرآة العقول، ج ۳، ص ۳۰).

۲. تفسیر ابن عباس، ص ۳۷۸؛ تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱۰، ص ۳۲۲۵؛ معجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۵۶؛ الدر المثور، ج ۵، ص ۱۸۶؛ فتح القدر، ج ۴، ص ۵۱۲.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۲۶؛ تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۸۲؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۳.

یاس ﷺ را به زبان عربی برای ما بازگو کرد و فرمود: یاس ﷺ در سجده‌هایش با خدای خود چنین مناجات می‌کرد: «أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي وَقَدْ أَظْمَأْتُ لَكَ هَوَاجِرِي أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي وَقَدْ عَفَرْتُ لَكَ فِي التُّرَابِ وَجْهِي أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي وَ قَدْ اجْتَنَبْتُ لَكَ الْمَعَاصِي أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي وَقَدْ أَشْهَرْتُ لَكَ لَيْلِي؛^۱ آیا مرا عذاب می‌کنی، در حالی که ممتازترین چیزهای خود را تشنه [و شیفته] تو ساخته‌ام! آیا مرا عذاب می‌کنی، در حالی که صورتم را برای تو در خاک نهاده‌ام! آیا مرا عذاب می‌کنی، در حالی که برای تو از گناهان دوری کرده‌ام! آیا مرا عذاب می‌کنی، در حالی که شبم را برای تو بیدار بوده‌ام!» سپس به یاس ﷺ وحی شد که سرت را بردار! من تو را عذاب نمی‌کنم. یاس ﷺ به خداوند گفت: اگر مرا عذاب کردی چه؟ مگر من عبد و تورب نیستی؟ خداوند به وی وحی فرستاد که سرت را بردار! من تو را عذاب نمی‌کنم و خلف وعده نیز نخواهم کرد.»

بازگشت ضمیر مفرد به یاسین، دلیل بر این مطلب است که او یک نفر بیشتر نبوده که همان الیاس علیه السلام می‌باشد.

۲. دلیل دیگر اینکه آیات

چهارگانه‌ای که در پایان ماجرای الیاس علیه السلام آمده، عیناً همان آیاتی است که در پایان داستان نوح و ابراهیم و موسی و هارون علیهم السلام آمده است و هنگامی که این آیات را کنار هم قرار می‌دهیم، در می‌یابیم سلامی که از سوی خداوند در این آیات ذکر شده، به همان پیامبری است که در صدر سخن آمده است. بنابراین، در آیه مورد بحث هم سلام بر الیاس خواهد بود.^۵

کلام زمخشری و فخر رازی نیز صرف ادعاست و شاهدی بر آن وجود ندارد.

همان گونه که بیان شد، مراد از آل یاسین، اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌باشد، ولی زمخشری و فخر رازی آل یاسین را این گونه تفسیر می‌کنند:

«یاسین پدر الیاس علیه السلام بوده که لفظ آل به آن اضافه شده است.»^۱

عده دیگری از مفسرین آن را یکی دیگر از نامهای الیاس علیه السلام می‌دانند، همانند میکایل و میکائیل، جبریل و جبرئیل.^۲

برخی دیگر مراد از آیه را قوم و پیروان الیاس علیه السلام می‌دانند.^۳

نقد و بررسی

در نقد کلام کسانی که یاسین را قوم و پیروان حضرت الیاس علیه السلام تفسیر کرده‌اند، گفته شده است: سلام در قرآن مختص معصومین می‌باشد و در هیچ کجای قرآن به پیروان معصومین سلام نشده است.^۴

برخی از متأخرین برای اثبات اینکه یاسین همان حضرت الیاس علیه السلام می‌باشد، چنین گفته‌اند:

۱. به دلیل اینکه بعد از آیه «سلام علی یاسین» به فاصله یک آیه می‌فرماید: «**أَنَّ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ**»،

۱. کشاف، ج ۴، ص ۵۸؛ تفسیر الکبیر، ج ۲۶، ص ۱۶۲.

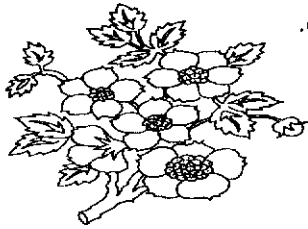
۲. تفسیر شتر، ص ۶۷۳؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۵۶؛ تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۴۵؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۷، ص ۲۲۲ و ج ۱۴، ص ۱۸۴.

۳. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۱۲۵؛ فتح القدر، ج ۴، ص ۵۱۱؛ حدیقة الشیعة، ج ۱، ص ۱۵۲.

۴. اطیب البیان، ج ۱۱، ص ۱۸۹.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

و دیگر اینکه بگوییم این روایات بیانگر بطن آیه می‌باشد. آکه در این صورت اختلافی وجود نخواهد داشت.



۱. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱۰، ص ۳۲۲۵؛ معجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۵۶؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۸۶؛ الکشف و البیان، ج ۸، ص ۱۶۹؛ فتح الباری، ج ۶، ص ۱۳۸؛ لسان المیزان، ج ۶، ص ۱۶۲؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۱۴؛ تفسیر فتح القدیر، ج ۴، ص ۵۱۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۹۵؛ غایة المرام، ج ۲، ص ۳۳۱ و ۳۳۲؛ تفسیر حبری، ص ۳۵۹؛ امالی شیخ صدوق، ص ۳۸۱ و ۴۲۷؛ احتجاج، ج ۱، ص ۵۹۷ و ج ۲، ص ۵۹۱؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۳۵۶؛ معانی الاخیار، ص ۱۲۲؛ مستدرکات علم الرجال، ج ۸، ص ۱۱۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۵؛ احقاق الحق، ج ۳، ص ۴۴۹ و ج ۹، ص ۱۲۷ و ۱۲۹ و ج ۱۴، ص ۳۶۰ و ۳۶۲ و ج ۱۸، ص ۵۰۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱، ص ۴۸۷ و ۴۸۸؛ تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۸۱؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۲۶؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۳؛ تفسیر اطیب البیان، ج ۱۱، ص ۱۸۹؛ تفسیر الاصفی، ج ۲، ص ۲۳۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۳۱ و ۴۳۲.

۲. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۱.

۳. آیه الله معرفت این مطلب را در دروس تفسیر خود بیان کرده‌اند.

پیرامون آل یاسین باید گفت: در کتب حدیثی و تفسیری معتبر شیعه و اهل سنت، حدیثی باسندهای گوناگون منعکس شده است و در آن به جای الیاسین، آل یاسین قرائت شده و به آل محمد صلی الله علیه و آله تفسیر شده است.^۱

علامه مجلسی بعد از ذکر اختلافات در آل یاسین می‌فرماید: «ظاهراً بر چنین قرائت و روایتی اتفاق نظر وجود دارد، ولی بعضی به خاطر تعصبات نادرست این احتمال را (آل یاسین) بسا اینکه مطابق روایات می‌باشد، مرجوح و نادرست می‌دانند.»^۲

نتیجه

با بیانات گذشته آشکار شد که آنچه ظاهراً صحیح به نظر می‌رسد، این است که الیاسین نام دیگر الیاس علیه السلام می‌باشد. درباره قرائت آل یاسین نیز باید گفت: با اینکه بعضی از اسناد روایات قابل خدشه می‌باشد، با این حال برخی از معاصرین برای حل این مشکل دو راهکار ارائه داده‌اند:

اول اینکه چون روایات خلاف ظاهر قرآن می‌باشد، آنها را کنار گذاریم